

زنانه شدن فضای شهری در ایران امروز، با تکیه بر فضای کلان‌شهر تهران

نعمت‌الله فاضلی*

چکیده

در این پژوهش به مناسبات زن و شهر از منظر زنانه شدن فضاهای شهری پرداخته شده است؛ زیرا فضای امروز شهر تهران زنانه شده است و زنان با پیش‌روی آرام حضورشان را در شهر تثبیت می‌کنند.

روش تحقیق کیفی و میدان تحقیق بر اساس تجربه زیسته نگارنده در شهر تهران شکل گرفته است. شهروندان تهرانی روزانه شاهد حضور زنان در عرصه‌های گوناگون اداری، بازار، آموزشی و فراغتی‌اند. رمزگذاری و رمزگشایی شهر به دست این زنان، به زنانه شدن فضای شهر انجامیده است. هرچند این یافته‌ها با انتقادهایی از طیف زنان در گروه‌های فمینیستی مواجه خواهد شد، اما بی‌شک نمی‌توان تغییرات زنانه شدن یک‌صد سال اخیر در فضاهای شهری را نادیده انگاشت.

کلیدواژه‌ها: زنانه شدن فضاهای شهری، دیدگاه‌های فمینیستی، استراتژی‌های زنانه، چرخش فضایی.

۱. مقدمه

«زن» و «شهر» و مناسباتشان بر تحولات جامعه معاصر ما تأثیر عمیقی گذاشته‌اند و در عین حال، از این تحولات تأثیر پذیرفته‌اند. یکی از نیروهای دگرگون‌ساز و دگرگون‌شونده در ایران معاصر، شهر و شهرنشینی مدرن بوده است. شهر در ایران معاصر مانند ماشین محرکی مولد فضاهای شهری تأثیرگذاری بوده که کلیت هستی فردی و اجتماعی‌مان را دگرگون

* دکترای انسان‌شناسی از دانشگاه لندن (مدرسه مطالعات شرق و آفریقا)، دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی n.fazeli@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۵

کرده است. این دیدگاه مبتنی بر نظریه‌های تثبیت‌شدهٔ امروزی دربارهٔ شهر است. چرخش فضایی (spatial turn)، که ادوارد سوجا (Edward William Soja) و میشل فوکو (Paul Michel Foucault) آن را در نظریهٔ اجتماعی امروزه تثبیت کرده‌اند، معنایی جز این ندارد که فضا خود متغیر مستقل و تبیین‌کننده یا تعیین‌بخش پدیده‌های اجتماعی است. زن و شهر عوامل مهم سازنده و دگرگون‌سازی‌اند که هر دو هم‌زمان جامعه و تاریخ معاصرمان را دچار دگرگونی اساسی کرده‌اند. این تلاقی یا تعامل دو سویهٔ زن و شهر و دگرگونی‌های اساسی ناشی از آن، موضوع این مقاله است.

نه فقط فضاهای سکونت‌گاهی، بلکه فضاهای تجاری، فراغتی، آموزشی و انواع فضاهای شهری در ایران امروز به شکل تصاعدی دائم زنانه‌تر می‌شوند. زنان از طریق حضورشان در فضاها و هم‌چنین دست‌کاری و مداخله در فضاها، به شیوه‌های آشکار و پنهان به رمزگذاری و رمزگشایی از فضاها می‌پردازند. زنان نه فقط با حضور خود در این فضاها مهر و نشان‌شان را بر فضاهای شهری حک می‌کنند، بلکه فضاهای شهری تحت تأثیر نوعی هژمونی جهانی شدن و تأثیرات رسانه‌ای، هر روز زنانه‌تر می‌شوند. نیروها و عوامل جهانی‌ساز یا تشدیدکنندهٔ جهانی شدن به شیوه‌ها و شکل‌های گوناگون میدان عمل زنان در جامعهٔ شهری را بازتر و بازتر می‌کنند. هم‌چنین زنان در نظام‌های بازنمایی فضای شهری در جامعهٔ امروز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. زنان از طریق تولید فیلم، نوشتن رمان و داستان، سرودن شعر و ساختن موسیقی و انجام فعالیت‌های هنری و رسانه‌ای هر روز بیش از گذشته در زنانه‌تر شدن فضاهای بازنما شده تأثیر می‌گذارند. این امر چنان با سرعت و شدت در حال وقوع است که طبیعتاً نظم تاریخی مردانهٔ فضا را تا حدودی به هم زده است. توصیف و تحلیل تحول فضاهای شهری، به‌ویژه کلان‌شهر تهران، به سوی زنانه شدن، که در بالا به برخی ابعادش اشاره شد، موضوع این مقاله است و سعی بر این است که به کمک مفهوم زنانه شدن فضا، این مناسبات را توصیف و تحلیل کنیم و از دیدگاه زنانه شدن فضا در جامعهٔ شهری معاصر ایران دفاع شود. دیدگاهی که تا حدودی در مقابل دیدگاه‌های فمینیسم رادیکال و تجددگرایی غربی قرار می‌گیرد، دیدگاه‌هایی‌اند که عمدتاً از منظر نقد سلطهٔ مردانه، استیلای سنت‌گرایی و حاکمیت نابرابری جنسیتی در فضاهای شهری سخن می‌گویند.

به نظر می‌رسد مناسبات زن و فضا بیان ساده‌تر و عامیانه‌تر مناسبات میان زن و زندگی است. از دیدگاه نگارنده، فضا (space) نام دیگری برای زندگی و به‌ویژه زندگی روزمره (everyday life) است؛ زیرا مجموعه فعالیت‌هایی که هر یک از ما به طور معمول و مکرر

انجام می‌دهیم در نهایت منجر به برساختن و شکل گرفتن چیزی می‌شود که نظریه‌پردازان اجتماعی امروزه از آن با عنوان فضا نام می‌برند. بخش مهمی از ادبیات نظری و بررسی‌های تجربی در دانش مطالعات فرهنگی (cultural studies) به موضوع زندگی روزمره اختصاص دارد. دلیل این امر آن است که هدف کلی مطالعات فرهنگی، ارائه توصیف و تحلیلی از وضعیت کنونی و امروزی جامعه انسانی و تحولات و مسائل آن بر اساس ارائه درکی انتقادی از روابط میان قدرت و فرهنگ است. انسان امروزی نیز بیش از هر زمان دیگری در شهر و به شیوه شهری زندگی می‌کند. نگارنده در فصل اول فرهنگ و شهر (۱۳۹۲) با استناد به منابع جمعیتی نشان داده است که در حال حاضر نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت جهان در شهرها ساکن‌اند و تا پایان ربع اول قرن بیست و یکم پیش‌بینی می‌شود ۸۸ درصد جمعیت جهان ساکن شهرها شوند. در این شرایط شهرنشینی انبوه یا متراکم، مطالعات فرهنگی می‌کوشد به کمک مفهوم زندگی روزمره، این شیوه جهانی شده و همگانی امروزی زندگی شهری را واکاود. با تکیه بر این دیدگاه نگارنده مناسبات زن و فضای شهری را همان مناسبات میان زن و زندگی می‌داند.

اساس دیدگاه نگارنده در دفاع از زنانه شدن فضای شهری در ایران امروز از این واقعیت اجتماعی آشکار سرچشمه می‌گیرد که میان زن و زندگی به طور کلی و به‌ویژه زندگی شهری (urban life) امروزی ایران پیوندی ناگسستنی و اجتناب‌ناپذیر وجود دارد و هرچه زمان پیش می‌رود و به امروز نزدیک‌تر می‌شود، به دلیل مجموعه تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، که طی دوران معاصر و مدرن در جامعه جهانی و جهان ایرانی^۱ رخ داده است و در این جا به برخی از این تحولات می‌پردازیم، بر اهمیت، جایگاه، نقش‌ها و کارکردهای زن در زندگی فردی و اجتماعی جامعه شهری (urban society) (تعبیری که لوفور (Henri Lefebvre) به کار می‌برد)^۲ و زندگی روزمره شهری (urban everyday life) افزوده می‌شود؛ امروزه نظریه اجتماعی، به‌ویژه نظریه‌های شهری این واقعیت را کاملاً آشکار کرده‌اند که رویه‌ها یا کردارهای فضایی (spatial practices) ماهیت جنسیتی دارند و کردارهای جنسیتی (gender practices) نیز ماهیتی فضایی. این پیوند دوسویه میان این دو دسته کردارها و رویه‌ها در جامعه شهری و کلان‌شهری امروزی در ایران تشدید شده و به نحو بارزی مشاهده می‌شود.

پرسشی که در این جا به‌وضوح با آن سر و کار داریم این است که فضای شهری، به‌ویژه فضای کلان شهر تهران زنانه است یا خیر؟ یا دقیق‌تر بگوییم، مجموعه تحولاتی که جامعه کلان شهری تهران در تاریخ خود داشته است آیا فضاهايش را به روی زنان گشوده است یا

خیر؟ پاسخ به پرسش‌های مذکور این است که بله، فضاهای شهری و کلان‌شهری ما در حال زنانه شدن است؛ اما این پاسخ چندان بدیهی نیست و اغلب محققان و فعالان فکری و اجتماعی قبولش ندارند. از این رو، لازم است این پاسخ را بسط داده، نشان دهیم چرا و چگونه فضاهای شهری، به‌ویژه کلان‌شهر تهران، زنانه شده است.

این باور عمومی در گفتمان‌های جنسیت و فضا وجود دارد که در ایران و جوامعی مانند ایران، که مفروض است فرهنگ مردسالارانه بر آن استیلا دارد، همه‌چیز از جمله فضاهای شهری مردانه است. بسیاری مانند جودیت بنت، مورخ فمینیست پرکار و سرشناس دانشگاه کالیفرنیا جنوبی امریکا، بر این باور استوارند که در طول تاریخ، بیش از این‌که تغییر در زندگی زنان حاکم باشد ثبات حاکم بوده است؛ زیرا پدرسالاری بنیان‌های نظری ثابتی دارد که مانع تغییرات عمده محتوایی می‌شود و فقط به صورت‌ها اجازه تغییر می‌دهد (بنت، ۲۰۰۵ به نقل از شارع‌پور و رهبری، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

این ایده بنت سرمشق عمده مطالعات غربی در زمینه شهر بوده است. در این مطالعات، شهر مکانی مردانه تلقی می‌شود که در آن، زنان مانند اقلیت‌ها، کودکان و فقرا شهروندان کامل نیستند؛ زیرا به آن‌ها اجازه و امکان دسترسی کامل به خیابان‌ها و فضاهای شهری داده نشده است و آن‌ها در گوشه و کنار شهر امکان بقا دارند.

این نکته‌ای است که منتقدان فمینیست مطالعات شهری به آن اذعان و توجه دقیق دارند. برای مثال خانم مکداول (L. McDowell) از شارحان مطرح و تأثیرگذار حوزه مطالعات جنسیت و فضای شهری در ارزیابی انتقادی از مطالعات شهری در تمامی رشته‌ها از منظر جنسیت می‌نویسد:

نظریه‌های شهری سنتی دارای تمایزهای متعددی مانند تمایز میان بخش دولتی و بخش خصوصی، شهر و حومه شهر، کار و خانه، تولید و بازتولید هستند. در هر کدام از این دوگانه‌ها فرض بر این است که حیطه‌های دوم تنها به زنان تعلق دارند (مکداول، ۱۳۹۲: ۸-۱۰).

این دیدگاه با برداشت کلی‌ای که نگارنده از تحولات جامعه ایران معاصر دارد سازگار نیست. وی در کتابش با عنوان *مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران* (۱۳۸۷) و کتاب تازه منتشر شده‌اش *تاریخ فرهنگی ایران مدرن: گفتارهایی در زمینه تحولات گفتمانی ایران امروز از منظر مطالعات فرهنگی* (۱۳۹۳) و هم‌چنین *تجربه تجدید* (۱۳۹۳) از این ایده دفاع کرده است که جامعه، فرهنگ و انسان ایرانی طی تجربه‌هایی که در ۱۵۰ سال اخیر تولید و کسب کرده است، تحولات عمیق و همه‌جانبه‌ای را در همه ابعاد زندگی‌اش از راه بازتعریف سنت

و میراث فرهنگی در پرتو دستاوردهای علم، فناوری‌ها و نوآوری‌های اجتماعی ایجاد کرده است. طبیعتاً موضوع جنسیت و فضا نیز نباید در این تحولات، که آن را «تجدد ایرانی» نامیده است، دست‌ناخورده و مصون مانده باشد.

گفتنی است در این زمینه دو دیدگاه کلی وجود دارد: ۱. دیدگاهی که منکر زنانه بودن یا زنانه شدن فضاهای شهری است و تغییرات موجود در فضاهای شهری و کلان‌شهر تهران را ناچیز می‌شمارد؛ ۲. دیدگاهی که مدافع زنانه شدن و زنانه بودن فضاهای شهری است. استدلال‌ها و شواهد تجربی برای دفاع از ایده زنانه بودن فضاهای شهری و کلان‌شهری به تفصیل بیان شده است:

۱. زنانه بودن فضاهای شهری امری نسبی است، نه مطلق؛ به این معنا که زنان امروز در مقایسه با گذشته در فضاهای شهری سهم و نقش بیش‌تری دارند.

۲. زنانه شدن فضاهای شهری امری است فرایندی، نه رخدادی. از این رو، زنانه شدن فضا چیزی نیست که بتوان آن را به منزله حادثه‌ای ناگهانی یا طرح و برنامه شهری، که برنامه‌ریزی شده است، درک و تحلیل کرد.

۳. زنانه شدن یا زنانه بودن فضا لزوماً به معنای موضع‌گیری ایدئولوژیک و اخلاقی نیست. طبیعی است که با معیارهای گوناگون می‌توان وضعیت موجود را بد یا خوب توصیف کرد. تلاش نگارنده در این‌جا صرفاً ارائه توصیف و تحلیلی از تغییر تاریخی رخ داده در فضاهای شهری ایران است.

۴. زنانه بودن یا زنانه شدن فضاهای شهری ممکن است گامی برای بهبود عدالت جنسیتی باشد، اما هم‌زمان ممکن است از جهاتی نیز زمینه‌ای برای بازتولید اشکال گوناگون نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی در بستر اجتماعی جدید و متفاوت امروزی باشد.

۵. زنانه شدن فضاهای شهری امری گفتمانی (discursive) است و فقط به تحول فضای فیزیکی شهرها محدود نمی‌شود. همان‌طور که اشاره شد، در فهم فضای شهری در ایران از منظر جنسیتی نوعی چرخش گفتمانی در حال وقوع است و ما در حال عبور از کوری جنسیتی هستیم.

۶. زنانه شدن فضاهای شهری را باید در پرتو وقوع مجموعه فرایندهای فرهنگی و اجتماعی دیگر، مانند مصرفی شدن، رسانه‌ای شدن، فردی شدن، فناورانه شدن، زیبایی‌شناسانه شدن، دموکراتیک شدن، بوروکراتیک شدن، شهری شدن و کلان‌شهری شدن مشاهده کرد.

۷. زنانه شدن فضاهای شهری به نحو آشکار و عینی در فضاهای کلان‌شهری، به‌ویژه تهران مشاهده می‌شود. کلان‌شهر تهران از این نظر موقعیت کاملاً متفاوتی با شهرها و حتی کلان‌شهرهای دیگر ایران دارد.

۸. زنانه شدن فضا را می‌توان به مثابه نظریه یا مفهومی برای توصیف و تحلیل تحولات رخ داده در جامعه کلان‌شهری در نظر گرفت؛ مفهومی که از طریق آن کلیت جامعه کلان‌شهری تهران توضیح داده می‌شود. مطالعات اخیر نشان می‌دهد اگر ساختارهای مردسالارانه سنتی بازتولید شده‌اند، به طور هم‌زمان ساختارهای شکل‌دهنده به «زنان سلطه‌جو» نیز در حال گسترش است.

۹. زنانه شدن کلان‌شهر تهران نیز امری نسبی است و مناطقی با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی که دارند از نظر میزان و نوع زنانه شدن کیفیت متفاوتی را تجربه می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۲).

۲. زنان و فضای شهری

۱.۲ زنان در فضاهای شهری امروز

روایت را با ارائه تصویری کلی از محله سکونت‌نگارنده آغاز می‌کنیم. بدون ارائه چشم‌اندازی کلی از بافت اجتماعی و کیفیت زندگی شهری منطقه و محل زندگی وی بیان این مشاهدات معنادار نخواهد بود.

نگارنده دو سالی است در منطقه جنت‌آباد، شمال غرب تهران در خیابان شهید کبیری طامه (شاهین شمالی) زندگی می‌کند. شاهین شمالی از جنوب به بزرگراه همت و از شمال به بزرگراه آبشناسان متصل است. شاهین شمالی^۳ یکی از ۳۷۴ محله کنونی تهران است.

محله شاهین بنا بر آمار سرشماری ۱۳۸۵، حدود ۲۰ هزار نفر جمعیت دارد. همه جمعیت این محله مانند نگارنده مهاجرانی شهرستانی‌اند که از سراسر شهرها و روستاهای ایران به آنجا آمده‌اند. شاهین محله‌ای جوان، پرجمعیت و متراکم است. متراکم از نظر انبوه جمعیت، فروشگاه‌ها و مراکز خرید، رخدادهای شهری، اتومبیل‌ها، مراکز شهری، مصرف‌کنندگان، ساختمان‌ها، و در نهایت انبوه زنان که بخشی از تراکم و انباشت انواع سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، انسانی و سیاسی این محله را تشکیل می‌دهند. زنان در دوره شکل‌گیری محله شاهین بیش‌ترین گروه مهاجران به تهران را تشکیل داده‌اند. طبق آمار سرشماری در ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، بیش‌ترین

درصد مهاجرت‌های درون‌مرزی زنان در ایران به شهر تهران اختصاص داشته است (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۲). همین آمار نشان می‌دهد زنانی که آموزش بیش‌تری دیده‌اند تمایل بیش‌تری به این مهاجرت داشته‌اند. به همین دلیل اکنون شهر تهران با نوعی تمرکز سرمایه‌انسانی زنانه نیز روبه‌روست. این امر خود از جمله عواملی است که موجب گسترش حضور و مشارکت زنان در فضاهای شهری تهران شده است.

در این محله، مانند دیگر محله‌های جوان شهری هیچ نماد و نشانه تاریخی و کهن شهری وجود ندارد. این محله و همه اجزا و مؤلفه‌هایش را ساکنان کنونی آن ساخته‌اند. در حال حاضر، از نظر موقعیت و منزلت اجتماعی نیز این محله کم و بیش در نظام توزیع فضای شهری تهران در میانه طیف اجتماعی شمال‌شهری‌های ثروت‌مند و فرادست و جنوب‌شهری‌های فقیر و فرودست قرار دارد؛ می‌توان آن را محله متوسط‌نشین تهران نیز در نظر گرفت. ضلع شرقی منطقه ۵ در مجاورت منطقه سعادت‌آباد، یکی از مناطق شمال شهری و پرمنزلیت تهران است. در عین حال، ضلع غربی منطقه ۵ به منطقه ۲۱ یعنی تهرانسر، یکی از مناطق جنوبی و فقیر تهران، متصل است. محله شاهین در میان دو منطقه فقیر و غنی شهری قرار گرفته است. شاید بتوان این محله را از نظر اجتماعی و فضای شهری تا حدودی نزدیک‌تر و شبیه‌تر به بیش‌تر فضاهای شهری طبقه متوسط شهری تهران دانست. این محله زمانی گسترش یافت که دیگر شهرداری اجازه تأسیس کارخانجات و کارگاه‌های بزرگ تولیدی در درون محله‌های شهر را نمی‌داد. فضاهای موجود متعلق به صنایع خدماتی شامل مراکز آموزشی (مدارس و آموزشگاه‌ها)، مراکز ورزشی (مجتمع‌های ورزشی)، مجتمع‌های اداری (مراکز دولتی و خصوصی)، مراکز خرید (فروشگاه‌ها و پاساژها)، مراکز بهداشتی و درمانی (درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها)، مراکز تفریحی (پارک‌ها، کافی‌شاپ‌ها و کافی‌نت‌ها)، مراکز غذایی (رستوران‌ها و فست‌فودها) و مراکز خدماتی دیگر است که بخش‌های مهم و اصلی فضاهای شهری این منطقه را شکل می‌دهند. این مراکز را تعمداً فهرست کرده تا بعدها یادآور شویم تمام این مراکز به نوعی فضاهای مناسب برای حضور زنان‌اند و زمینه گسترش زنان در این محله را فراهم کرده‌اند.

۲.۲ فروشگاه‌ها و زنانه شدن شهر

اهالی منطقه شاهین هم‌روزه شاهد حضور گسترده زنان در فضای محله و خیابان‌های این منطقه‌اند؛ به طوری که اگر ساعتی در پاساژ یا مرکز خرید «مجتمع گل‌ها» در خیابان شاهین مکث کنیم، همه چیزهایی که امروزه زنان از طریق تجربه خرید در نیویورک، لندن، و هر

جای دیگر جهان به دست می‌آورند مشاهده می‌کنیم. در این مجتمع تجاری تقریباً تمامی فروشگاه‌ها به عرضه کالاهای زنانه، شامل پوشاک و لوازم آرایش و کالاهای خانوادگی اختصاص دارد. این امر امروزه واقعیت جهانی است که خرید کردن یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های زنان است. شفיעی با استناد به منابع معتبر در این زمینه می‌نویسد که از لحاظ مقایسه جنسیتی نوع فعالیت گذران اوقات فراغت می‌توان گفت زنان بیش‌تر از مردان به خرید می‌روند. به طور مثال این زمان در امریکا برای مردان ۴۳ دقیقه و برای زنان ۵۹ دقیقه در روز است. در آلمان ۴۹ دقیقه برای مردان و ۶۶ دقیقه برای زنان، در ایتالیا ۳۳ دقیقه برای مردان و ۵۳ دقیقه برای زنان و در هلند ۳۶ دقیقه برای مردان و ۵۳ دقیقه برای زنان است (بوردا و دیگران، ۲۰۰۷: جدول ۱۰۱ به نقل از شفיעی، ۱۳۹۱).

کاظمی (۱۳۸۸) در مقدمه کتابش می‌نویسد:

خیابان‌ها، کافی‌شاپ‌ها، گیم‌نت‌ها، رستوران‌ها، فروشگاه‌های بزرگ، شهربازی‌ها و پارک‌ها مراکز اند که در آن مصرف نقشی اساسی ایفا می‌کند. فضاها نیز در این مکان‌ها تولید و مصرف می‌شوند. چنین مصرفی، با تولید معانی اجتماعی همراه است، که تجربه در زندگی روزمره را با خلاقیت امر مدرن رویارو می‌کند. فضاها و مراکز مدرن، بخش مهمی از قلمرو زندگی روزمره محسوب می‌شوند. برای ساخت دستگاه نظری مناسب از سه عنصر «زندگی روزمره»، «مصرف» و «پرسه‌زنی» به شرحی که می‌آید استفاده می‌کنیم و در نهایت، به ترکیب و صورت‌بندی جدیدی از این عناصر دست می‌یابیم.

به باور کاظمی، سه مؤلفه نظری، یعنی زندگی روزمره، مصرف و پرسه‌زنی برای توضیح نحوه مصرف مراکز خرید در تهران اهمیتی اساسی دارند. مراکز خرید از یک‌سو بخشی از زندگی روزمره جامعه‌اند و اساساً با مصرف تعریف می‌شوند؛ هم مصرف کالاهایی که درونشان عرضه می‌شود و هم مصرف خود مکان‌ها. از سوی دیگر، افراد حاضر در چنین مکان‌هایی، نباید صرفاً در نقش مشتری دیده شوند؛ مصرف‌کنندگان پاساژها متعدد و متکثرند.

شاید مهم‌ترین موفقیت زنان شهری ایران در زمینه فضا به دست آوردن حق حضور در فضاهای عمومی، مانند خیابان، پارک‌ها، میدان‌ها، و به طور کلی قدم زدن آزادانه در شهر است. به همین دلیل باید موضوع زنانه شدن فضای شهری را از این دیدگاه بررسی کرد که زنان شهری ایران چگونه توانستند حق قدم زدن در شهر را به دست آورند. باید به خاطر داشته باشیم که این امر پدیده‌ای کاملاً تازه و مدرن است. ضمن این‌که باید بین «همگانی شدن قدم زدن در شهر» با «قدم زدن‌های محدود» تمایز قائل شد. اگرچه از گذشته‌های دور

زنان می‌توانستند بر حسب ضرورت و جسته و گریخته و گاه و بی‌گاه در فضای شهرها ظاهر شوند، اما این امر فقط برای گروه‌های خاص و موقعیت‌های خاص امکان‌پذیر بود. مارشال برمن (Marshall Berman) در تجربه مدرنیته (۱۳۸۹) کوشیده است اهمیت خیابان در حکم مهم‌ترین عرصه شهر مدرن و جایی که انسان شهرنشین امروزی تجربه مدرنیته‌اش را تحقق می‌بخشد توصیف و تحلیل کند. در پژوهش حاضر نشان داده شده است که چگونه زنان شهری ایران و به‌ویژه تهران با سیاست پیش‌روی آرام توانسته‌اند حق زیستن و تجربه کردن فضای خیابان را به دست آورند.

۳.۲ خیابان و پیش‌روی آرام زنان

خیابان در ایران به منزله فضای شهری مدرن نخست در تهران متولد شد و هم‌زمان با رشد و گسترش فرایندهای تجدد، خیابان‌های تهران نیز گسترش یافتند. در نقشه‌ای که موسیو کرشیش (August Kerziz) در ۱۲۷۵ ق (۱۲۳۳ ش) از تهران تهیه کرد واژه «خیابان» وجود نداشت و معابر با نام کوچه، گذر، گذار، راسته، بازارچه و رسته مشخص شده بود. نقشه‌ای که نجم‌الدوله در ۱۳۰۹ ق (۱۲۶۸ ش) از تهران ترسیم کرد از برخی معابر به اسم «خیابان» نام برده است.



تصویر ۴. شکل‌گیری میدان توپخانه تهران و خیابان‌های تهران حوالی سال‌های ۱۳۰۰ شمسی^۴

خیابان‌های تهران نخست به روی زنان گشوده نبود، بلکه زنان در مبارزه‌ای سخت و طولانی توانستند جای خود را در این فضا تعریف کنند. آصف بیات در کتاب مشهور و کلاسیک *سیاست‌های خیابانی، جنبش تهی‌دستان در ایران* (۱۳۷۹) نشان می‌دهد فقرا و فرودستان از ۱۳۴۴ تا ۱۳۷۰ به تدریج زمین‌های حاشیه شهر تهران را تصاحب کردند که این حاشیه‌ها، بعدها به بخش‌های مرکزی شهر تبدیل شدند. به باور بیات، دولت و مدیریت شهری در ایران به خواسته‌های فقرا و مهاجران در تهران تن داده و امکانات شهری لازم را به فضاهایی داده است که آن‌ها اشغال کرده‌اند. رفته‌رفته این فقرا حق زندگی شهری را با سیاست‌های خیابانی‌شان به دست آوردند. به نظر بیات، انسان ایرانی در طول تاریخ معاصر لزوماً نه منفعل بوده و نه انقلابی، بلکه نوعی «پیش‌روی آرام» را شکل داده است. بر اساس این نظریه، مردم و شهروندان عادی در زندگی روزمره‌شان از طریق فعالیت‌ها و مقاومت‌هایشان می‌کوشند زندگی بهتری را شکل دهند. بیات پیش‌روی آرام را «تقلا و کوشش همیشگی، روزمره و جزئی و غالباً خاموش تهی‌دستان جهان سوم که در برخی مقاطع تاریخی ویژگی جمعی به خود می‌گیرد» تعریف می‌کند (بیات، ۱۳۷۹: ۲۷۹). زنان نیز در این زمینه مانند مردان مبارزه می‌کنند. به یکی از روایت‌های بیات توجه کنیم:

در چهاردهم اردیبهشت ۱۳۵۹، گروهی از زنان خشمگین از یک محله فرودست (خیابان گرگان) به زور بازار میوه «میدان سمیه» و مغازه‌های اطرافش را بستند. در آن روز وقتی یکی از زنان به میوه‌فروشی اعتراض کرد که قیمت خیلی بالاست، زنان دیگر نیز همراه او حرکت کردند. به دنبال آن یک تظاهرات خیابانی توسط اهالی محل شکل گرفت و زنان در پیشاپیش آنان، کرکره‌های فروشگاه‌ها را پایین کشیدند و بازار را به تعطیلی کشاندند. نیروی انتظامی گزارش کرده بود که زنان خشمگین قصد داشتند بازار را به آتش بکشند (بیات، ۱۳۷۹: ۱۷۷).

زنان در ایران معاصر و به‌ویژه تهران از همین سیاست خیابانی «پیش‌روی آرام» برای حضور در فضا و زندگی شهری استفاده کردند. همان‌طور که اشاره کردیم، این سیاست در سال ۱۳۷۵ با مشارکت در جنبش تنباکو و بحران نان آغاز شد. در دوران پهلوی سیاست‌های نوسازی و غربی‌سازی به شکل‌های گوناگون خیابان‌های شهری، به‌ویژه تهران را به روی زنان باز گذاشت و هرگونه استفاده از این فضاهای شهری را مجاز و ترغیب کرد. اگرچه زنان گروه‌های سنتی و مذهبی جامعه ایران به این سیاست فرهنگی شهری پهلوی روی خوش نشان ندادند، اما این سیاست در نهایت زمینه اجتماعی و فرهنگی مناسبی برای حضور گسترده زنان در خیابان‌های شهر را مهیا ساخت. این حضور به صورت تدریجی اتفاق افتاد. جدای از این واقعیت، که در دوره پهلوی در نتیجه توسعه نظام

اداری جدید و پذیرش زنان در مقام کارمندان و کارکنان اداری، گسترش استفاده از اتومبیل و ماشین سواری، گسترش نظام آموزش و آموزش عالی، گسترش فضاهای مصرفی، فضاهای فراغتی و فضاهای زنانه مختلف، به نحو ساختاری زمینه حضور زنان در شهر و خیابان‌ها را فراهم می‌کرد، آمدن و قدم زدن در شهر خود در حکم بخشی یا شکلی از مدرنیته شهری و شهر مدرن پذیرفته و ترویج می‌شد.

۴.۲ انقلاب اسلامی و پیش‌روی انقلابی زنان

انقلاب اسلامی انقلاب بزرگی برای زنان شهری ایران بود. چالش‌های ایدئولوژیک میان فمینیست‌ها و نیروهای غیر مذهبی تاکنون مانع از آن شده است که دانشگاهیان و محققان شهری به این جنبه از پیامدهای فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی توجه همه‌جانبه و جدی کنند. فارغ از لفاظی‌های سیاسی و ایدئولوژیک گفتمان رسمی و ضد گفتمان آن، باید گفت انقلاب اسلامی به اشکال گوناگون فضاهای شهری را به روی زنان بیش از همه دوران گذشته گشود. با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری راه‌پیمایی‌های بزرگ شهری برای اعتراض به رژیم پهلوی، زمینه برای مشارکت زنان در فضاها و خیابان‌ها گسترش بیشتری یافت. در واقع، این راه‌پیمایی‌ها معنای تازه‌ای از خیابان را برای زنان ایران به همراه داشت. در این راه‌پیمایی‌ها بود که زنان مذهبی و سنتی نیز توانستند تجربه تازه‌ای از خیابان در شهر را شکل دهند.



تصویر ۵. حضور زنان در تظاهرات علیه حکومت پهلوی در سال ۱۳۵۷

این تجربه حضور زنان سنتی و مذهبی در خیابان‌ها به دوران مبارزه با حکومت پهلوی دوم و پیروزی انقلاب محدود نشد و حکومت بعد از پیروزی انقلاب نیز خیابان‌ها را در حکم فضای سیاسی، که زنان قادرند در آن ایفای نقش کنند، پذیرفت. نماز جمعه، راه‌پیمایی‌های سیاسی رسمی (راه‌پیمایی روز ۲۲ بهمن) و آیین‌های مذهبی، مانند مراسم عاشورا موقعیت‌هایی‌اند که حکومت آن‌ها را برای حضور گسترده زنان در خیابان‌ها نه تنها مجاز دانسته، بلکه زنان را برای حضور بیش‌تر در خیابان‌ها تشویق و ترغیب می‌کند.



تصویر ۶. حضور زنان در نماز جمعه دانشگاه تهران

۵.۲ مدارس و زنانه شدن شهر

اکنون ۳۵ سال از وقوع انقلاب اسلامی گذشته است و در این دوره طولانی، تحولات عمیق و ساختارمندی در جامعه ایران، به‌ویژه شهرها و کلان‌شهر تهران، رخ داده است. زنان در این دوره توانسته‌اند حق زیستن و حضور در فضاهای شهری را در حکم «حق طبیعی و بدیعی» خود در ذهنیت جامعه و نظام سیاسی تثبیت کنند؛ هرچند برخی موانع سیاسی و فرهنگی همچنان وجود دارند. شاید بتوان فضاهای آموزشی را بزرگ‌ترین فضاهای زنانه شهری ایران، به‌ویژه تهران دانست که طی ۳۵ سال گذشته هر سال به‌طور فزاینده و تصاعدی گسترش یافته‌اند. یکی از مهم‌ترین کارکردها و نقش‌های فضاهای آموزشی، گسترش حضور زنان در شهرهاست. این نکته‌ای است که کم‌تر به آن توجه می‌شود. هدف از این مقاله شرح تمامی ابعاد موضوع نیست، اما متناسب با نیاز این بحث به آن اشاره‌هایی شده است.

نخستین تجربه‌های شهری دختران معمولاً در مسیر رفت و آمد به مدرسه و در محیط‌های آموزشی و تربیتی شکل می‌گیرد. در جهان امروز، مدرسه خود پاره‌ی مهمی از شهر است. امروزه دختران به اندازه‌ی پسران به مدرسه و فضاهای آموزش عمومی دسترسی دارند و می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. این حق حتی برای دختران روستایی نیز وجود دارد. نگارنده در *مردم‌نگاری آموزش* (۱۳۹۰) شرح و توصیف عمیق و همه‌جانبه‌ای از این موضوع ارائه کرده است و نیازی به تکرار آن در این جا نیست. نکته‌ی کلیدی که در این کتاب شرح داده شده است نقش مدارس روستایی در شهری شدن دانش‌آموزان روستایی است. اکنون باید بر این نکته تأکید کرد که یکی دیگر از کارکردهای مدارس در ایران معاصر، زنانه کردن فضاهای شهری است. بررسی همه‌جانبه‌ی این موضوع نیاز به مطالعه‌ی مستقل دارد و تاکنون در جایی مطالعه نشده است. امانوئل تد (Emmanuel Todd)، انسان‌شناس فرانسوی، و یوسف کوریاز، جمعیت‌شناس، در مطالعه‌ی تحسین‌برانگیزشان در زمینه‌ی تأثیر مدرسه و سوادآموزی در جوامع مسلمان مانند ایران در کتابی که با عنوان *ملاقات تمدن‌ها* (۱۳۸۹) منتشر کرده‌اند برخی از ابعاد و کارکردهای مدرسه و آموزش در دوره‌ی معاصر در زمینه‌ی زنان را شرح داده‌اند. تد و کوریاز نشان داده‌اند که طی دوره‌ی معاصر، جوامع مسلمان نوعی انقلاب جمعیتی، فرهنگی و ذهنی همه‌جانبه را تجربه کرده‌اند. در این انقلاب فرهنگی، انقلاب جمعیتی، زنان انقلابیون اصلی‌اند؛ زیرا در نتیجه‌ی توان‌مندی ناشی از سوادآموزی، قدرت کنترل بر رفتار باروری‌شان را به دست آورده‌اند. میزان باسوادی مردان و زنان در جوامع مسلمان هر سال افزایش می‌یابد و این شاخص مهمی برای تحولات دیگر است.

در این کتاب اگرچه به مسئله‌ی شهر و فضا توجهی نشده است، اما اهمیت و جایگاه نظام مدرسه‌ای در ایران و جوامع مسلمان را به‌خوبی نشان می‌دهد. ما اغلب از این که مدرسه همه‌ی کارکردهای رسمی مد نظر را ندارد ناراضی هستیم، اما گاهی از کارکردهای ضمنی مدرسه غافل می‌مانیم. این کارکردهاست که نظام مدرسه‌ای را به‌رغم هزینه‌های سنگینش سودمند و موجه می‌سازد. یکی از این کارکردهای نظام مدرسه‌ای در ایران معاصر، تحول جایگاه و وضعیت زنان است. مدارس و نظام آموزش عمومی در ایران نه‌تنها از طریق سوادآموزی و همگانی‌کردنش در تحول جامعه‌ی ایران و به‌ویژه وضعیت زنان نقش مهمی داشته و دارد، بلکه نظام مدرسه‌ای در ایران معاصر، میانجی بزرگی برای برقراری پیوند میان زنان و دختران ایرانی با جامعه و شهر بوده است.

حق استفاده از مدرسه برای دختران حتی در سال‌های بعد از مشروطه نیز با چالش‌های جدی روبه‌رو بود. شاید بزرگ‌ترین تحولی که در دوران پهلوی برای زنانه شدن فضاهای

شهری رخ داد، حق استفاده از شهر از طریق رفتن به مدارس بود. در این دوران اگرچه نهاد آموزش عالی شکل گرفت و گسترش یافت، اما نتوانست نوعی فرصت همگانی و توده‌ای برای زنان ایجاد کند. دوران پهلوی را بیش‌تر باید به علت انقلابی که در «آموزش عمومی» ایجاد کرد در نظر بگیریم؛ اگرچه این تحول نیز در دوران بعد از انقلاب اسلامی توانست به معنای دقیق همگانی و سراسری شود. اکنون شاید بتوان مدارس را یگانه نهادی دانست که کم و بیش همه دختران کودک و نوجوان ایرانی را برای ساعات‌های طولانی در فضایی بیرون از خانه و به دور از خانواده در فضاهای شهری مستقر می‌سازد.

۶.۲ دانشگاه و زنانه شدن فضای شهری

دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد و پس از آن دانشگاه‌های بزرگ متعددی در تهران بنا شد، اما همگانی شدن آموزش عالی و مهم‌تر از آن زنانه شدن آموزش عالی و دانشگاه‌ها در سال‌های پس از انقلاب اسلامی مشاهده شد. سیاست پیش‌روی آرام زنان با گسترش فضاهای دانشگاهی در تهران به نوعی به «سیاست انقلابی» تبدیل شد و زنان توانستند با ایجاد تحول ساختاری، جایگاهشان در شهر را یک‌بار برای همیشه تثبیت کنند. گسترش دانشگاه‌ها نه تنها در تهران، بلکه در همه شهرها حتی شهرهای کوچک، برای حضور گسترده و همگانی زنان در فضاهای شهری در ایران نوعی فرصت ساختاری به شمار می‌آمد و به عبارتی، دانشگاه‌ها در نقش نهاد علمی و فرهنگی در راستای پوشش دادن و توجیه کردن جامعه ایران برای پذیرش حضور زنان در شهر قداست و مشروعیت کافی داشته‌اند.

۷.۲ مراکز مذهبی و پیش‌روی آرام زنان

یکی دیگر از پیامدهای بزرگ انقلاب اسلامی برای زنانه شدن فضاهای شهری، گسترش فضاهای مذهبی و تحول این فضاها متناسب با نیازها و علایق امروزی زنان شهری است. برای درک این واقعیت کافی است در یکی از این مراکز مذهبی مدت کوتاهی قدم بزنیم. امروزه این مراکز، مانند پاساژها و فضاهای مصرف و فضاهای آموزشی مملو از حضور زنان‌اند. این زنان با انگیزه‌های گوناگون دینی و غیر دینی از این فضاها با احساس امنیت بیش‌تر استفاده می‌کنند. در این مراکز معمولاً امکانات گوناگون برای خانواده‌ها، کودکان، سالمندان و زنان فراهم شده است. افزون بر این برخی از این مراکز، مانند امام‌زاده صالح (ع)، که در میدان تجریش در مجاورت بازار تجریش قرار دارد، به علت استقرار در ناحیه خوش آب و هوا و تفریحی شمال تهران، جاذبه سیاحتی نیز یافته است.



تصویر ۷. زنان در امام‌زاده صالح (ع) میدان تجریش نوروز ۱۳۹۳^۹

مجدداً به محله شاهین اشاره می‌کنیم. زندگی در محله شاهین قبل از این که خورشید طلوع کند با روشن شدن چراغ نانوبی‌ها، آغاز به کار سوپرمارکت‌ها، رفت و آمد ماشین‌ها، باز شدن طبخ‌ها (حلیمی و کله‌پزی)، باز شدن گیشه‌های مطبوعاتی و حضور زنان در خیابان‌ها آغاز می‌شود. اگر قبل از طلوع آفتاب از خانه خارج شوید، یکی از مشاهدات روزانه و مکرر حضور گسترده زنان در خیابان است؛ زنان جوان، میان‌سال و پیر و زنانی اغلب آراسته یا زنانی که برای خرید کردن از سوپرمارکت یا تهیه نان در صف نانوبی ایستاده‌اند یا برای رفتن به سر کار کنار بزرگراه و خیابان منتظر ماشین ایستاده‌اند. اگر ویژگی‌های اجتماعی محله شاهین شمالی را در نظر بگیریم (این که این محله سکونت‌گاه مهاجران شهرستانی، محله‌ای جوان و فاقد هویت اجتماع‌گرایانه و از نظر اجتماعی طبقه متوسط و متوسط به پایین است)، حضور گسترده زنان در ساعات اولیه روز نباید امری طبیعی باشد، اما همان طور که ذکایی می‌نویسد: «رفت و آمد و شلوغی بیش‌تر برخی مناطق شهر در ساعات ابتدایی و به‌ویژه پایانی روز احساس آرامش و امنیت بیش‌تری برای زنان و مسافران وسایل نقلیه عمومی ایجاد می‌کند» (ذکایی، ۱۳۹۱). کم و بیش تمامی طول روز و تا نیمه‌های شب خیابان‌های کلان‌شهر تهران محل عبور و مرور زنان است. همان طور که تاجیک در مقاله «خیابان و سیاست؛ تجربه سیاستی از جنس بازیگوشی در ایران امروز» (۱۳۸۶) نشان می‌دهد، خیابان در ایران امروز پیوند آشکاری با سیاست هم در سطح خرد و فردی و زندگی روزمره (میکروپلیتیک) و هم در سطح کلان دارد. به باور تاجیک، خیابان امروزه در شکل‌دهی به فضای عمومی و سیاست در ایران نقش کلیدی دارد. این نقش از

طریق موقعیتی است که خیابان برای ابراز وجود و خودبیان‌گری هویت‌های گوناگون جنسیتی، قومیتی و دینی و اجتماعی فراهم می‌کند. اگر همواره به مشاهده پیاده‌روها و تجربه‌هایی که در خیابان‌های تهران رخ می‌دهد حساس و علاقه‌مند باشیم، پی می‌بریم که زنان از پیاده‌روها و فضاهای خیابان در تهران استفاده بیش‌تر و مؤثرتری می‌کنند. عابری که از پیاده‌رو و خیابان می‌گذرد، به اشکال گوناگون فضای شهر را رمزگذاری می‌کند. این عبور ممکن است برای عابر فعالیت ساده‌ای باشد، اما وقتی انبوه زنان به صورت بارز با پوشش و آرایش معنادار زنانه فضای پیاده‌رو را پر می‌کنند، معنای جنسیتی و زنانه معینی را در فضای شهر حک می‌کنند. زندگی شهری به علت حضور زنان در تهران امروز معنای متفاوتی از زندگی شهری را به نسبت دوره‌های گذشته تاریخی‌اش به دست آورده است؛ چنان‌که جین جیکویز (۱۳۸۸) می‌نویسد، عابری که در پیاده‌رو تردد می‌کند، عنصر مهمی برای درک ماهیت سحرآمیز زندگی شهری است؛ به‌ویژه زمانی که در پیاده‌روهای بکر مناطق حومه شهر کنار هم قرار می‌گیرند. وی می‌افزاید:

ضربان شهر و شتاب آن را دوست دارم. در همان سی ثانیه‌ای که شما جذب یک مطلب می‌شوید اتفاقات زیادی در شهر می‌افتد که هم می‌تواند مورد استفاده شما قرار گیرد و هم ممکن است نوعی نماد باشد و یا ممکن است این اتفاقات دقیقاً در اطراف شما رخ دهد. چنین احساسات و نظراتی دقیقاً از جنس صحنه‌پردازی‌های خیابانی امپرسیونیست یا شعرسرایی‌های شهری بودلر (Baudelaire) است (به نقل از سوویچ و وارد، ۱۳۹۳).



تصویر ۸ زنان در پیاده‌رو خیابان ولیعصر (محلّه راه‌آهن) (۱۳۹۱)

۸.۲ امنیت و زنانه شدن فضا

منتقدان ایده زنانه شدن فضاهای شهری با تکیه بر احساس ناامنی استدلال می‌کنند که زنان قادر نیستند در فضاهای شهری حضور یابند و از آن استفاده کنند. از این رو، شایسته است موضوع امنیت و فضای شهری با تأمل بررسی شود.

در مطالعه‌ای که بمانیان و رفیعیان انجام داده‌اند، میزان امنیت محیط در جنوب خیابان امام خمینی بررسی شده است. نتایج مطالعه نشان داده است که میان احساس امنیت درک‌شده و میزان تردد و استفاده از فضا رابطه مستقیمی وجود دارد. هم‌چنین میزان آشنایی با فضا و شهرت آن در ایجاد حس امنیت نقشی اساسی دارد. در مطالعه دیگری که رفیعیان، رضازاده و سینایی (۱۳۸۷) انجام داده‌اند و عوامل مؤثر در مطلوبیت فضای عمومی شهری (نمونه موردی میدان نبوت) را بررسی کرده‌اند، عوامل گوناگونی در مطلوبیت فضای شهری مهم تلقی شده‌اند؛ از جمله وجود تعامل اجتماعی، امنیت و آزادی حرکت، دسترسی، طراحی، هویت، وجود نظارت اجتماعی، تمایل به مشارکت، راحتی، میزان استفاده از محیط و فعالیت‌ها و اجتماع‌پذیری.

در مطالعات گوناگون، دلایل وجود ترس از محیط بررسی شده است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که میزان بالای ترافیک عبوری، تغییرات کالبدی سریع واحد همسایگی، بی‌نظمی یا فقدان شهریت در یک حوزه، وجود علائم استهلاک اجتماعی و فیزیکی و فقدان یک‌پارچگی اجتماعی در مجموعه و هم‌چنین تسلط و حضور مردانی که ناهنجاری‌های رفتاری دارند در فضا و سطح پایین عملکردها در خیابان از اصول دیگری است که در محیط‌های شهری بر میزان ترس از فضاهای شهری اثر می‌گذارد (شکوهی، ۱۳۹۱).

نکاتی که مطالعات بالا نشان می‌دهند فقط به کلیت تأثیرگذاری احساس ناامنی در استفاده زنان از فضا اشاره می‌کنند. این مطالعات نشان نمی‌دهند که زنان برای مقابله با این احساس ناامنی چه استراتژی‌هایی را ابداع کرده و می‌کنند. همان‌طور که نشان خواهیم داد، زنان به‌ویژه در کلان‌شهر تهران در برابر ناامنی فضا لزوماً موضع انفعالی ندارند.

هم‌چنین باید در نظر داشت که این احساس ناامنی در کلان‌شهر تهران برای همه زنان یک‌سان نبوده است و به میزان سایر شهرهای ایران نیز نیست. به علاوه، احساس ناامنی برای زنان فقط در برخی فضاهای شهری، مانند خیابان‌ها و پارک‌ها صادق است و زنان

سایر فضاهای شهری را ناامن نمی‌دانند. همان‌طور که محمد فاضلی در کتاب کلاسیک، جامعه‌شناسی مصرف و سبک زندگی، استدلال می‌کند، فضاهای آموزشی و فضاهای اداری و شغلی برای زنان احساس ناامنی ایجاد نمی‌کنند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۹۵).

ذکایی در مطالعه تجربی‌اش در این زمینه می‌نویسد که زنان تهرانی استراتژی‌های متنوعی را برای مواجهه و مصون ماندن از آسیب‌ها و آزارهای بالقوه جنسیتی در شهر به کار می‌گیرند. این استراتژی‌ها عموماً انعکاس‌دهنده سبک و شرایط زندگی آن‌ها و موقعیت و سرمایه‌هایی است که از آن برخوردارند و بر پایه آن می‌توان گونه‌شناسی‌هایی از آن به دست داد (اباذری و دیگران، ۱۳۸۷).

علاوه بر ویژگی‌های سبک زندگی و فارغ از جهت‌گیری‌های ارزشی، به نظر می‌رسد مهم‌ترین استراتژی زنان برای مدیریت ناامنی‌های فرضی و واقعی در شهر عبارت‌اند از انعطاف‌پذیری در پوشش و لباس و آرایش و انطباقشان با شرایط مکانی و زمانی، به‌ویژه برای زنان جوان‌تر و با تحرک بیشتر؛ انعطاف‌پذیری در شیوه‌های ارتباطی و استفاده از رفتارهای کلامی و غیر کلامی؛ انتخاب زمان‌های مناسب در استفاده از فضاهای مختلف عمومی شهر؛ همراه ساختن افراد دیگر در مصرف برخی فضاهای عمومی، مثلاً برای خرید کردن، انجام کارهای اداری یا تفریحات خارج از منزل؛ انعطاف‌پذیری در مصرف فضاهای عمومی و در صورت لزوم جانشین کردن یک فضا با فضای دیگر، مواجهه حداقلی یا اجتناب از ورود به میدان‌های ناشناخته، محدود ساختن خود به فضای خانه و دعوت از دیگران برای انجام کارها، ریسک کردن و گاه استقبال از چالش ورود به میدان‌های کاملاً مردانه و ناشناخته یا با سابقه منفی برای زنانی که در حلقه شبکه‌های دوستی و آشنایی فرد قرار دارند و در مواردی استثنایی تمایل به همراه داشتن سلاحی سرد با خود (ذکایی، ۱۳۹۱).

استدلال این مطالعه این نیست که تمامی گروه‌ها، شهرها و محله‌ها برای زنان میدان عمل باز و نامحدود ایجاد کرده‌اند. بسیاری از محققان به‌درستی نشان داده‌اند که «بسته بودن فضای فعالیت زنان و حاکمیت قوانین اندرونی هنوز در بسیاری از محله‌های قدیمی و نزد خانواده‌های سنتی وجود دارد» (مشیرزاده، ۱۳۸۵). یافته‌های پژوهش تجربی نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، زنان و مردان فضاهای شهری را به صورت‌های متفاوتی تجربه می‌کنند و زنان به‌طور یک‌سان از فضاهای شهری بهره‌مند نمی‌شوند (ضابطیان و رفیعیان، ۱۳۸۷: ۴۷). مطالعه مردم‌نگارانه اخیر نازگل باقری در زمینه تجربه زنان تهرانی در میدان تجریش و سبزه‌میدان تأیید می‌کند که زنان تهرانی استراتژی‌های

پیچیده‌ای برای عبور از دوگانه‌های سنتی - مدرن و عمومی - خصوصی در فضاهای شهری به کار می‌گیرند. زنان در نهایت فضاهای شهری را مطابق میل و خواست‌های زنانه‌شان مصرف می‌کنند (Bagheri, 2013).

نکته مهم در این‌جا این است که تحولات رخ داده در فضاهای شهری در کلان‌شهرهایی مانند تهران را باید دید و جدی گرفت. برای نگارنده در مقام مردم‌نگار دشوار است آنچه در زندگی روزمره مشاهده می‌کند نادیده بگیرد.

حضور زنان در کوچه و خیابان‌های تهران در صبح و هنگام تاریک و روشنی هوا برای نگارنده، که مرد است، همیشه نوعی نشانه معناداری است از این‌که شهر در امنیت و آرامش است و زندگی با همه سختی‌هایش جاری و ساری است. فارغ از توصیف‌های شاعرانه باید گفت که حضور زنان در آن هنگام در خیابان نشانه نوعی از «مدنیت شهری» در جامعه ایران است. برای نگارنده که نگاهی تاریخی به جامعه دارد و می‌داند این تجربه‌ها هیچ‌یک رخدادهایی نیستند که همواره وجود داشته باشند، تجربه‌های معناداری‌اند که از تحولی بزرگ در فرهنگ شهری ما حکایت می‌کنند.

طبیعتاً با گذشت زمان و طلوع آفتاب، جنب و جوش زنان در شهر بیشتر و بیشتر می‌شود. در شهرهای کوچک اگرچه هیچ منع قانونی یا حتی اجتماعی‌ای برای حضور زودهنگام زنان در شهر وجود ندارد، اما اقتضای شرایط عینی و اجتماعی این شهرها حضور کم‌تر زنان در شهر را ایجاب می‌کند. گفتنی است میان گستردگی و میزان جمعیت شهر با میزان و کیفیت حضور زنان در شهر ارتباط مستقیمی وجود دارد. هرچه شهر بزرگ‌تر باشد، میزان حضور زنان بیشتر است. به همین دلیل زنان ایرانی امروز ترجیح می‌دهند در کلان‌شهرها زندگی کنند تا در روستاها و شهرهای کوچک.

شفیعی در مطالعه تجربی‌اش در این زمینه داده‌های جالبی را ارائه کرده است:

روشن است که رفتن به قهوه‌خانه فعالیت فراغتی رایجی میان زنان شهر تهران نیست. ۶۳ درصد زنان سالی چندبار و ۵ درصد آن‌ها ماهی یک‌بار به قهوه‌خانه می‌روند. ۱۲ درصد زنان ماهی یک‌بار به کافی‌شاپ می‌روند. ۲۲ درصد زنان ماهی چندبار پارک می‌روند. ۲۱ درصد زنان ماهی چندبار به قصد گردش و قدم زدن در بازار و خیابان از خانه خارج می‌شوند و ۹/۵ درصد زنان سالی یک‌بار به بازدید از مکان‌های حیات وحش می‌روند. مقایسه میانگین‌ها حاکی از استقبال زنان شهر تهران از فعالیت‌های فراغتی، چون قدم زدن در بازار و خیابان و رفتن به پارک و مراکز تفریحی است (شفیعی، ۱۳۹۱).



تصویر ۱۱. زنان در کافی‌شاپ موزه سینما در خیابان باغ فردوس (۱۳۸۶)

داده‌های شفيعی را مطالعه ذکایی (۱۳۹۱) نیز تأیید می‌کند. مسئله مشارکت بیش‌تر زنان در فعالیت‌های مدنی و خیریه، که ذکایی به آن اشاره می‌کند، نیز نکته مهم و درخور توجهی است که موجب مشارکت بیش‌تر زنان تهرانی در فضاهای شهری می‌شود.

تغییر در فضاهای عمومی و خصوصی کلان‌شهر تهران نیز گواهی می‌دهد که در مناسبات جنسیتی باید تحولاتی رخ داده باشد. یکی از محققان، این تغییرات را با نام «عرفی شدن» فضاها توصیف کرده است. محمدرضا پویافر (۱۳۹۲) در پژوهش تجربی با عنوان «سبک زندگی عرفی؛ بررسی رابطه تحولات سبک زندگی و عرفی شدن در جامعه ایرانی» می‌نویسد که تفکیک اندرونی - بیرونی که در گذشته جزء مهم گره‌خورده با ارزش‌های دینی در معماری خانه‌های ایرانی بود، در خانه‌های جدید کاملاً از میان رفته است. به این ترتیب، یک تازه‌وارد به خانه یا میهمان می‌تواند، و شاید تصور می‌شود که باید، تمامی زوایا و جزئیات فعالیت در آشپزخانه را ببیند. در سال‌های اخیر، تغییرات یادشده به سویی پیش رفته که حتی دیوارهای آشپزخانه نیز تا حد زیادی حذف شده و در نتیجه فضای آشپزخانه به طور کامل به فضای عمومی خانه متصل شده است. از این دست تغییرات در بخش‌های دیگر مربوط به زندگی و سبک زندگی مردم نیز مشاهده می‌شود.

تجزیه و تحلیل تحول فضاهای شهری به سوی زنانه شدن بیش‌تر با تکیه بر تحولات اجتماعی، که در ارزش‌ها، سبک زندگی و تحولات ساختاری مشاهده می‌شود و در نهادهای اجتماعی مانند خانواده، سیاست و فناوری‌ها رخ داده است امکان‌پذیر است. باید پذیرفت که به شیوه‌های گوناگون (آشکار یا نهان و مستقیم یا غیر مستقیم) فضاهای شهری

ایران زنانه شده‌اند. زنانه شدن فضاهای شهری در نتیجه توسعه قدرت عاملیت زنان شهرنشین است. زنان شهری معاصر به کمک خلاقیت‌های زنانه‌شان به نحو ظرفی همه فضاهای را از هویت زنانه خود متأثر کرده‌اند.

هم‌چنین زنانه شدن فضا را نباید فقط با معیار فرصت‌های شغلی زنان در شهر سنجد، بلکه باید از معیارهای دیگری مانند حضور زنان در فضا و تأثیر زنان در فضا کمک بگیریم؛ برای مثال نفس حضور زنان در پیاده‌روها، میدان‌ها و خیابان‌های شهری عامل مهمی در تولید فضاهای شهری امروز است. زنان با حضورشان در فضا، نشانه‌هایی معنادار از کلیت فضا را رمزگذاری می‌کنند و مردانی که در این فضا حضور دارند متأثر از زنان و در تعامل با آنان نقششان را ایفا می‌کنند. زنان به دلیل همان نقش‌های سنتی‌شان برای مدیریت خانه، عواطف و دیگر کارکردهایشان به حضور بیش‌تر در فضاهای شهری، مانند فضاهای خرید و تجارت، فضاهای فراغتی مثل شهربازی‌ها و فضاهای عمومی مثل خیابان و میدان و پارک و پیاده‌رو نیاز دارند.

از زمان رضاشاه به بعد، نظام دیوان‌سالاری عرصه مناسبی برای ورود زنان به فضاهای شهری شده است. زنان در مقام کارمند و نیروی خدماتی راهشان را به سوی فضاهای اداری و خدماتی شهر باز کرده‌اند. در واقع در دو دهه اخیر و با گشوده شدن درهای بازار به روی زنان، نظام اداری و بازار دو عامل مهم و اصلی برای زنانه کردن فضاهای شهری شده‌اند، اما در کنار این دو عامل، باید عوامل متعدد دیگری را هم در زنانه شدن فضاهای شهری مؤثر دانست. افزون بر این، باید از مسئله فراغت نیز در حکم عامل دیگری برای زنانه شدن فضاهای شهری نام برد. فضاهای فراغتی در شهرهای امروز بسیار گسترش یافته‌اند. پارک، سینما، فرهنگسرا، شهربازی و ... فقط بخش کوچکی از فضاهای فراغتی‌اند. فراغتی شدن یکی از فرایندهایی است که همه فضاها را دربر می‌گیرد؛ حتی فضاهای مذهبی، سیاسی، اقتصادی و مسکونی به اشکال مختلف در حال فراغتی شدن‌اند. در واقع فراغت روی دیگر سکه مصرف است. زنان به دلیل آن‌که مسئولیت تربیت فرزندان و وظیفه مدیریت خانه را بر عهده دارند، طبیعتاً مسئله فراغت به هویتشان گره خورده است. اگر می‌خواهیم از حضور زنان در فضاهای شهری یا زنانه شدن فضاها سر در آوریم، باید به مسئله فراغت توجه کنیم. حتی به نظر می‌رسد فراغت بیش از دیوان‌سالاری زمینه زنانه شدن فضا را فراهم کرده است.

اگر از این دیدگاه به مسئله زن و فضاهای شهری در ایران امروز بنگریم، شاید دیگر معیارهای کلاسیکی که طرف‌داران جنبش زن‌گرایی (فمینیسم) و محققان کلاسیک مطالعات

زنان مطرح می‌کنند اهمیت چندانی نداشته باشند. در دیدگاه کلاسیک، معمولاً از معیارهایی مانند طراحی شهری، معماری و فرصت‌های شغلی به منزله شاخص میزان مشارکت زنان در فضاهای عمومی استفاده می‌کنند، حال آن‌که امروز زنان از این موانع عبور کرده‌اند. همان‌طور که بیان شد، نظام اداری، بازار، مصرف و فراغت عواملی‌اند که میان فضا و زنان پیوندی ناگسستنی ایجاد کرده‌اند.

۳. نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد با تکیه بر برخی داده‌های تجربی و تحلیل‌های نظری و تاریخی، نشان داده شود که فضاهای شهری در تهران زنانه شده و تغییرات ساختاری را تجربه کرده است. ذکایی نیز در مقاله تحقیقی‌اش در نخستین کنفرانس «زن، معماری و شهر» با تکیه بر داده‌های تجربی، که از طریق مصاحبه با زنان در فضاهای شهری مختلف تهران، مانند فروشگاه‌ها، باشگاه‌ها، مراکز آموزشی، کافی‌شاپ‌ها، پارک‌ها، مراکز تفریحی و فراغتی تهیه کرده بود، نشان داد که فضاهای شهری تهران عمیقاً از کنش‌های فضایی زنانه متأثر است (ذکایی، ۱۳۹۲).

پرسشی که اکنون مطرح است این است که آیا می‌توان این تحول را برای همه شهرها و شهرک‌های ایران به کار برد؟ به باور نگارنده، شهرها و شهرک‌ها نیز در مسیر این تحول قرار دارند، اما میزان، شدت و گستردگی زنانه شدن فضاها بسیار محدودتر از تهران است. ضمن این‌که در تهران نیز همان‌طور که اشاره شد، زنان هم‌چنان با محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی مواجه‌اند. بنا بر نظریه «پیش‌روی آرام» آصف بیات، زنان با ابداع استراتژی‌های گوناگون در زندگی روزمره، فضاهای بیش‌تری را با نیازها و خواسته‌هایشان هماهنگ می‌کنند.

برای شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر زنانه شدن فضا صرفاً برخی ابعاد موضوع را تحلیل کرده‌ایم و موضوع‌های بسیاری وجود دارد که نیازمند تحلیل است. برای مثال، در این مقاله به تحولاتی که زنان در فضاهای مجازی ایجاد کرده و از آن طریق، تأثیر عمیقی در زنانه شدن فضاهای شهری گذاشته‌اند اشاره‌ای نکرده‌ایم. زندگی زنان در دهه‌های اخیر کاملاً تغییر کرده است. برای مثال زنان در زمینه مدیریت زمان کنترل و تسلط بیش‌تری به دست آورده‌اند. آن‌ها به برکت وجود آشپزخانه مدرن و فناوری‌های متعدد، زمان آزاد بیش‌تری در اختیار دارند. این زمان آزاد و فراغت، میدان عمل باز و فرصت بیش‌تری به آن‌ها می‌دهد تا

از فضاهای شهری، مانند فضاهای فراغتی، قدم زدن در شهر و فضاهای مصرفی یا آموزشی استفاده کنند. مطالعهٔ مناسبات میان فراغت، جنسیت و فضا خود از جمله موضوعات کلیدی برای شناخت فضای شهری در ایران امروز است.

هم‌چنین مسئلهٔ تجربهٔ زنان از شهر و خوانش‌هایشان از فضاهای شهری موضوعی است نیازمند بررسی‌های دقیق. زنان لزوماً و همواره پذیرای زبان مردانه نیستند و بسیاری از رمزگذاری‌های مردانه در فضاها با «مقاومت نشانه‌شناختی» زنان روبه‌رو می‌شوند. در این مقاومت، زنان با تولید معانی زنانه از نشانه‌های مردانه، به نوعی این نشانه‌ها را تصاحب کرده‌اند و به نفع خود تغییر می‌دهند. برای مثال مجسمه‌های شهری یا گرافیتی‌های طراحی شده در خیابان‌ها و شاید مهم‌تر از همه بیلبوردهای تبلیغاتی که در دیوار شهرها را پر کرده‌اند اگرچه ممکن است به شیوه و زبانی مردانه رمزگذاری شوند، اما معنا و دریافت این نشانه‌ها یا همان نظام رمزگشایی آن‌ها لزوماً مردانه نیست و زنان می‌توانند به شیوهٔ دل‌خواه‌شان این نشانه‌ها را بازتعریف کنند. در چنین وضعیتی دیگر چیزی که اهمیت دارد لزوماً نشانه‌ها نیست، بلکه فرایند دریافت و رمزگشایی آن‌هاست. اگر از این زاویه به فضا بنگریم، در این صورت باید دید برای مثال «منظر شهری» در جامعهٔ شهری امروز ما زنانه است یا مردانه؟ پاسخ این است که با توجه به رشد «قدرت عاملیت زنان»، که در نتیجهٔ توسعهٔ آموزش و آموزش عالی و تحولات رسانه‌ای رخ داده است، منظر شهری ایران با هر ویژگی که طراحی شود، در نهایت سویهٔ زنانه دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مفهوم‌ها را محسن ثلاثی در کتاب مشهورش، *جهان ایرانی و ایران جهانی* (۱۳۷۹)، ابداع و تشریح کرده است.
 ۲. ایده‌های هانری لوفور در این زمینه در فصل اول کتاب *فرهنگ و شهر* (۱۳۹۱) شرح داده شده است.
 ۳. در سایت رسمی محلهٔ شاهین اطلاعات گسترده‌ای دربارهٔ این محله وجود دارد:
<http://shahin-5.mytehran.ir/Default.aspx?tabid=96562&language=en-US>
 ۴. عکس به دست آنتوان سوروگین، معروف به آنتوان خان از عکاسان معروف دورهٔ قاجار، گرفته شده است.
- 5 <http://www.tabnak.ir/fa/news/388980>

منابع

- اباذری، یوسف و عباس کاظمی (۱۳۸۳). «زندگی روزمره در مراکز خرید تهران»، نامه انسان‌شناسی، س ۳، ش ۶.
- اباذری، یوسف، سهیلا صادقی فسایی و نفیسه حمیدی (۱۳۸۷). «احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره»، پژوهش زنان، دوره ششم، ش ۱.
- آذری، نرگس (۱۳۹۲). تجربه مدرنیته به روایت فضاهای تجاری شهر تهران، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری و انتشارات تیسرا.
- اسپین، دنفی (۱۳۹۳). فضا و جایگاه، در کتاب، شهرها و جامعه، ترجمه محمدحسن خطیبی، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و انتشارات تیسرا.
- برمن، مارشال (۱۳۸۹). تجربه مدرنیته؛ هرآنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.
- بمانیان، محمدرضا، مجتبی رفیعیان و الهام ضابطیان (۱۳۸۸). «سنجش عوامل مؤثر در ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری»، پژوهش زنان، دوره اول، ش ۸.
- بیات، آصف (۱۳۷۹). سیاست‌های خیابانی: جنبش تهری در ایران، ترجمه اسدالله نبوی، تهران: نشر شیرازه.
- پویافر، محمدرضا (۱۳۹۲). «سبک زندگی عرفی؛ بررسی رابطه تحولات سبک زندگی و عرفی شدن در جامعه ایرانی»، همایش سبک زندگی در ایران، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- تمدن، رؤیا (۱۳۸۷). «زنان و فضاهای شهری»، جستارهای شهرسازی، ش ۲۴ و ۲۵.
- ثلاثی، محسن (۱۳۷۹). جهان ایرانی و ایران جهانی: تحلیل رویکرد جهان‌گرایانه در رفتار، فرهنگ و تاریخ ایرانیان، تهران: نشر مرکز.
- جیکوبز، جین (۱۳۸۸). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی، تهران: چاپ دانشگاه تهران.
- حسین‌آبادی، مهدی (۱۳۹۲). مصرف‌کنندگان جدید فضاهای خرید شهری، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و انتشارات تیسرا.
- خالصی‌مقدم، نرگس (۱۳۹۲). شهر و تجربه مدرنیته فارسی، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری و انتشارات تیسرا.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۱). «تلقی و تجربه زنان از شهر تهران»، اولین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۲). «فضاهای فراغتی شهری و زنانگی‌های جدید»، مقاله ارائه‌شده به اولین کنفرانس زن، معماری و شهر.
- رحمت‌آبادی، الهام (۱۳۸۷). «از اندرونی تا عرصه عمومی»، جستارهای شهرسازی، ش ۲۴ و ۲۵.
- رفیعیان، رضازاده، سینایی و احمدوند (۱۳۸۷). «سنجش شاخص‌های مؤثر در مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) موردپژوهی میدان نبوت تهران»، فصل‌نامه دانشگاه هنر، ش ۲.

- زیلینیک، آندرزج (۱۳۹۳). *فضا و نظریه اجتماعی*، ترجمه محمود شورچه (در دست انتشار).
- سویج، مایک و آلن وارد (۱۳۹۳). «مدرنیته، پسامدرنیته و فرهنگ شهری»، کتاب، *شهرها و جامعه*، ترجمه محمدحسن خطیبی، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و انتشارات تیسا.
- شارع‌پور، محمود و لادن رهبری (۱۳۹۲). «جنسیت و تعلق فضایی: تأثیر معماری مدرن بر حذف فضاهای خصوصی»، ارائه‌شده در کنفرانس زن، معماری و شهر.
- شکوهی، مهشید (۱۳۹۱). «طراحی شبکه دسترسی و تأمین امنیت زنان در شبکه فضاهای عمومی»، همایش زنان و زندگی شهر.
- شورت، جان رنه (۱۳۹۰). *نظریه شهری، ارزیابی انتقادی*، ترجمه کرامت‌الله زیاری، حافظ مهدی نژاد و فریاد پرهیز، انتشارات دانشگاه تهران.
- ضابطیان، الهام و مجتبی رفیعیان (۱۳۸۷). «درآمدی بر فضاهای شهری با رویکرد جنسیتی»، *جستارهای شهرسازی*.
- طوسی صدر، محبوبه (۱۳۹۲). *زندگی جوانان در شهر*، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و انتشارات تیسا.
- علی احمدی، امید (۱۳۹۲). «زنان، سبک‌های فراغتی و خانواده در شهر تهران»، *مجموعه مقالات همایش سبک زندگی ایرانیان*.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی مصرف و سبک زندگی*، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). *مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران (منظرهای انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی)*، ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۲). *پشت دریاها شهری: فرایندها، فنون و راهبردهای مردم‌نگاری شهری*، تهران: انتشارات تیسا.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۲). *فرهنگ و شهر: چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری*، تهران: انتشارات تیسا.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳). *تاریخ فرهنگی ایران مدرن (گفتارهایی در زمینه تحولات گفتمانی ایران امروز از منظر مطالعات فرهنگی)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳). *تجربه تجدد: رویکردی انسان‌شناختی به امروزی شدن فرهنگ ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- کاظمی، عباس (۱۳۸۸). *پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی*، تهران: نشر آشیان.
- گیوه‌چیان، فاطمه (۱۳۷۴). «انسان‌شناس ایرانی در مقاله خواندنی و ماندگارش "سنگ زیرین آسیا: زن یا مرد؟" مروری بر دیدگاه‌های نظری در رابطه با مطالعه نقش و جایگاه زنان در اجتماع». *فصل‌نامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ویژه نقش زنان در کشاورزی.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۲). *زن دلیل: زنان سلطه‌جو، مردان سلطه‌پذیر*، تهران: واژه آرا.
- محمودیان، حسین، حجه بی‌بی رازقی نصرآباد و محمدرضا کارگر شورکی (۱۳۸۸). «زنان مهاجر تحصیل کرده در تهران»، *پژوهش زنان*، دوره هفتم، ش ۴.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). *از جنبش تا نظریه اجتماعی*، تهران: شیرازه.
مک داول، ال. (۱۳۹۲). «جدا سازی جنسیتی در فضای شهری»، ترجمه پرتو فرهودی، نشریه زن‌نگار، ش ۱۲.
نیک‌روح، احمد (۱۳۹۱). «مبارزات سیاسی زنان دارالخلافة/ نگاهی به نخستین اتحادیه‌ها و انجمن‌های بانوان تهران»، روزنامه شرق.

- Bagheri, Nazgol (2013). "Modernizing the Public Space: Gender Identities Multiple Modernities, and Space Politics in Tehran", A Dissertation in Geosciences and Sociology, Presented to the Faculty of the University of Missouri-Kansas City in Partial Fulfillment of the Requirements for Ph.D. Kansas City, Missouri University.
- Bennett, Judith M. (2005). "Medieval Women in Modern Perspective a Pamphlet for Teachers", reprinted in *Women's History in Global Perspective*, Vol. 2.
- Castells, M. (1978). *City, Class and Power*, (Macmillan, London) pages.
- Dame, T. and Grant A. (2001). "Kelowna Planning for Safer Communities Workshop", Report Cowichan Valley Safer Futures Program, Canada.
- Harding, Sandra (2004). "Standpoint Theory as a Site of Political, Philosophic and Scientific Debate", in Sandra Harding (ed.) (2004), *The Feminist Stand point theory Reader*, London and NY: Routledge.
- Jarvis, Helen, Kantor, Pavla and Jonathan Cloke (2009). *Cities and Gender*, London and New York: Routledge.